

حکم متهمان پرونده سرقت مسلحانه در بزرگراه صدر صادر شد

متهمان ردیف اول و دوم به مرگ محکوم شدند

اعدام

سزای سارقان محارب

صفحه ۴

پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۳ | ۵ مهر ۱۴۴۶ | ۱۱ جولای ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۸۰۸۳ | صفحه ۵۰۰ | دو تومن

تیتراهای امروز

چین یک رزمایش مشترک در نزدیکی مرز لهستان برگزار کرد

سایه اژدها روی ناتو

■ مکرون: آمریکا و آلمان مخالفان اصلی پیوستن اوکراین به ناتو هستند



صفحه ۷

تأکید رئیس‌جمهور منتخب بر حفظ تمامیت ارضی کشورها در گفت‌وگو با نخست‌وزیر آرمستان

مرزهای

تغییرناپذیر

صفحه ۲

«وطن امروز» به عملکرد دولت شهید رئیسی در کنترنخی کردن بیکاری را بررسی کرد

کار روی بیکاری

■ جزئیات آمار اشتغال دولت سیزدهم

صفحه ۳

به بهانه سکوت عجیب جواد نکونام

و شروع نصفه و نیمه تمرینات استقلال

وقتی هیچ‌کس

راضی نیست

صفحه ۶

خبر

سید حسن نصرالله:

هر کسی رئیس‌جمهور ایران باشد از مقاومت حمایت می‌کند

گروه بین‌الملل: دبیرکل حزب‌الله لبنان در مراسم بزرگداشت فرمانده شهید محمد نعمة ناصر در مجتمع امام مجتبی(ع) در جنوب بیروت گفت: شهدای «وفان الاقصی» از روشن‌ترین مصادیق کشته‌شدن در راه خدا و کسانی هستند که در راه خدا به شهادت می‌رسند، زیرا آنها در نبرد روشن و صریح حق می‌جنگند که هیچ شبیه و غباری بر آن وجود ندارد.

سیدحسن نصرالله گفت:شهید حاج‌ابونعمه در جنگ جولای ۲۰۰۶ به مدت ۳۳ روز در جبهه نبرد حضور داشت و در ادامه برای مقابله با داعش به سوریه رفت و در روپارویی‌ها در برخی مناطق شرقی (با ترویروست) شرکت کرد. وی تصریح کرد: ما در دهمین ماه جنگ با دشمن قرار داریم و همچنان مبارزه می‌کنیم، از زمان ورود ما به این نبرد، اهدافی برای آن مشخص کردیم، دشمن به دستاوردهای ما اعتراف دارد و آن را راهبردی قلمداد می‌کند دبیرکل حزب‌الله خاطر نشان کرد: ما با نبرد خود می‌توانیم دشمن را به خود مشغول کنیم و از تجاوز به غزه بازداریم. وی افزود: برخی طرف‌ها در خارج این نکته را درک می‌کنند که توقف جبهه شمال، با توقف تجاوز به غزه مرتبط است. نصرالله گفت: ارتش رژیم اشغالگر از کمبود و زیربنای این کشور سیاسی، تئوریک سیاسی، گفت‌مان‌ها، دال‌ها و نیروها تغییر می‌کرده‌اما ایده اجتماعی پس‌انتخابات‌ها و زیربنای این گفتارهای مختلف، همواره جدال تغییر و ثبات بوده است.

ماه خود را در این انتخابات در یک سو کمپینی را می‌دیدیم که خود را ادامه و استمرار وضع موجود و ادامه دولت سیزدهم معرفی می‌کرد و دیگری خود و طرف مقابل را ادامه دولت سابق معرفی می‌کرد اما در طرف مقابل نیرویی قرار داشت که این امر، یعنی برچسب ادامه دولت سابق به خود را نفی می‌کرد و می‌گفت این تهمت و دروغ است. تهمت به معنای دقیق خود دالی است که زمانی معنا می‌یابد که یک امر نامناسب را به کسی نسبت دهید. از این رو آقای دکتر پزشکیان با این توصیف، عملکرد دولت سابق را نقد کرده و استمرار دولت سابق توسط خود را نفی می‌کرد. این ۲ کلان روایت تغییر و ثبات در انتخابات مشخص بود.

در یک طرف نیرویی قرار داشت که گویا نامطلوبیت وضع موجود را یا به کلی ادراک نمی‌کرد یا انکار می‌کرد؛ به هر حال هیچ نشانه‌ای دال بر درک وضعیت از خود بروز نمی‌داد. ما در وضعیتی قرار داریم که بر اساس گزارش‌های رسمی، به عنوان مثال همان گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرد و حدود ۲۴ ساعت روی خروجی آن قرار داشت و بعد از روی خروجی برداشته شد بیش از نیمی از مردم کمتر از میزان استاندارد کالری دریافت می‌کنند. ۲ سال است وضعیت دستمزد کارگران در شرایطی به اندازه نصف تورم نگه داشته شده است. آن هم در شرایطی که

گفت‌وگو

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری به پایان رسید و مسعود پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد اما سوالاتی درباره کنش نامزدها و مبنای رای مردم به هر یک از نامزدها باقی مانده است و از این حیث تحلیل بیشتر ماجرا لازم به نظر می‌رسد. در انتخابات اخیر نزاع اصلی بر سسر چه بود و به طور کلی کارزار انتخابات را به چه صورت باید معنا کرد؟ برای بررسی این موضوع سراغ مجتبی نامخواه، مدیر گروه مطالعات اجتماعی پژوهشکده باقرالعلوم(ع) و سردبیر فصلنامه نامه جمهوری رفتیم.

■ **ابتدا بفرمایید تحلیل کلی شما از وضعیت انتخابات و نتایج حاصل‌شده چیست؟**

برای ارائه یک تحلیل منسجم خیلی زود است اما می‌توان از سرچشمه‌های اصلی گفت‌وگو و تامل در آینده‌بحث کرد.از منظر اجتماعی کارکردنهاد انتخابات این است که مسیری جمعی و پذیرفته‌شده برای تغییر اجتماعی تعریف و طراحی کند. خرد جمعی همواره از خرد فردی – هر چند آن فرد نخبه و نابغه باشد – بهتر و بیشتر کار می‌کند و انتخابات نقطه اتکا و اعتماد خرد جمعی برای تغییر است. صحنه انتخابات ۱۴۰۳ هم صحنه جدال تغییر و ثبات بود. اساسا انتخابات از منظر اجتماعی کم و بیش چنین معنایی دارد، همچنان که ایده اجتماعی انتخابات‌ها کمابیش همین بوده است. در سطح سیاسی، تئوریک سیاسی، گفت‌مان‌ها، دال‌ها و نیروها تغییر می‌کرده‌اما ایده اجتماعی پس‌انتخابات‌ها و زیربنای این گفتارهای مختلف، همواره جدال تغییر و ثبات بوده است.

ما در این انتخابات در یک سو کمپینی را می‌دیدیم که خود را ادامه و استمرار وضع موجود و ادامه دولت سیزدهم معرفی می‌کرد و دیگری خود و طرف مقابل را ادامه دولت سابق معرفی می‌کرد اما در طرف مقابل نیروهی قرار داشت که این امر، یعنی برچسب ادامه دولت سابق به خود را نفی می‌کرد و می‌گفت این تهمت و دروغ است. تهمت به معنای دقیق خود دالی است که زمانی معنا می‌یابد که یک امر نامناسب را به کسی نسبت دهید. از این رو آقای دکتر پزشکیان با این توصیف، عملکرد دولت سابق را نقد کرده و استمرار دولت سابق توسط خود را نفی می‌کرد. این ۲ کلان روایت تغییر و ثبات در انتخابات مشخص بود.

در یک طرف نیرویی قرار داشت که گویا نامطلوبیت وضع موجود را یا به کلی ادراک نمی‌کرد یا انکار می‌کرد؛ به هر حال هیچ نشانه‌ای دال بر درک وضعیت از خود بروز نمی‌داد. ما در وضعیتی قرار داریم که بر اساس گزارش‌های رسمی، به عنوان مثال همان گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرد و حدود ۲۴ ساعت روی خروجی آن قرار داشت و بعد از روی خروجی برداشته شد بیش از نیمی از مردم کمتر از میزان استاندارد کالری دریافت می‌کنند. ۲ سال است وضعیت دستمزد کارگران در شرایطی به اندازه نصف تورم نگه داشته شده است. آن هم در شرایطی که

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۱۸۹ سال و ۲۶۱ روز گذشت



گفت‌وگوی «وطن امروز» با مجتبی نامخواه درباره تحلیل جامعه‌شناختی انتخابات ریاست‌جمهوری

جدال تغییر و ثبات

همین صفحه

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4083 | THU.JUL.11, 2024 | ISSN:2008-2886

یادداشت روز

پایان توهم

اتحاد در اروپا

| حنیف غفاری |

ژاک دریدا یکی از فلاسفه پست‌مدرن در تبیین و تشریح مواجهه صاحبان قدرت و ساختارها، به مفهومی کلیدی تحت عنوان «اوسازی» یا «شالوده‌شکنی» استناد می‌کند. دریدا اعتقاد دارد تخریب و بازسازی الگوها باید توسط خود سازندگان و مخاطبان یک ساختار شکل گیرد تا منتج به خلق یک ساختار مطلوب و پویا شود. شالوده‌شکنی در تفکر دریدا به معنای نابودی نیست، بلکه به معنای تغییر دال مرکزی و نقطه ثقل ساختارها در راستای حفظ کلیت آنهاست. اتحادیه اروپایی دهه ۱۹۹۰ میلادی، تبدیل به یک ساختار غالب و نوین شد. در مدت زمانی نه چندان طولانی، ۲۸ کشور عضو این مجموعه شده و تروئیکای اروپایی (انگلیس، آلمان و فرانسه) نیز تبدیل به ستون‌های نگهدارنده ساختار بروکراتیک، اقتصادی و امنیتی آن شدند.

اگر چه طی دهه نخست قرن جدید (قرن ۲۱)، نمداهای اتحاد و همبستگی در اتحادیه اروپایی و منطقه اقتصادی یورو حکم خطوط قرمزى پررنگ را برای اکثر ساکنان قاره سبز داشتند اما با گذشت زمان و اثبات ناکارآمدی ۲ جریان محافظه‌کار میانه و سوسیال –دموکرات در کشورهای مختلف اروپا، این خطوط قرمز کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد. کار به جایی رسید که در بطن اروپای متحد و مدعی، فاشیسم و نازیسم بازتعریف شده و خود را در قالب احزاب ملی‌گرای افراطی وارد مناسبات رسمی قدرت کرد. آنچه اخیرا در انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات مجلس ملی فرانسه رخ داد، نقطه آشکارساز گذار ساختاری از اروپای واحد است. امروز در فرانسه، دیگر منازعه بین ۲ جریان سنتی قدرت (سوسیال – دموکرات‌ها و محافظه‌کاران میانه‌رو) تعریف نمی‌شود و شهروند فرانسوی ترجیح می‌دهد انتخاب خود را میان ۲ حزب چپ افراطی و راست افراطی صورت دهد. رقابت نزدیک ملاتشون و لوپن در پاریس نشان می‌دهد مکرون، سسارکوزی، اولاند و تفکرات آنها دیگر جایی در اداره کاخ الیزه ندارد. این قاعده درباره کشورهای اروپایی دیگر مانند ایتالیا، مجارستان، آلمان و اسپانیا نیز صادق است.

برخی رسانه‌های غرب در صدد سانسور شکست و تباهی مطلق اتحادیه اروپایی برآمده و برخی دیگر نیز با نگاهی محتاطانه و امیدوارانه، می‌گویند زمان «شالوده‌شکنی» در قاره سبز فرا رسیده است؛ یعنی ۲ جریان سوسیال – دموکرات و محافظه‌کار میانه‌رو در غرب، به دست خود برخی اصول و بنیان‌های قدرت در اروپای واحد را تغییر داده و ساختاری جدید را بر اساس برخی ملاحظات نوین و ذائقه افکار عمومی بنا سازند. این پیشنه‌ها در ظاهر مطلوب اما در حقیقت ناممکن است! نباید فراموش کرد شالوده‌شکنی توسط صاحبان قدرت زمانی معنا و مصداق می‌یابد که قدرت تسلط بر افکار عمومی ساختارها را نداشته باشند. به عبارت دقیق‌تر، این واسازی باید محصول قدرت نسبی سیاستمداران باشد نه ضعف مطلق آنها. بدون شک زمانی که مدافعان یک ساختار در وضعیتی نازل قرار دارند، قدرت بازتعریف یا بازسازی ساختار متبوع خود را نیز از دست خواهند داد. پنهان‌سازی کمی وارد مصادیق شویم، به راستی چه کسی (حتی اگر بخواهد) می‌تواند مولد تغییرات عمده و شالوده‌شکنی در اروپای واحد باشد؟ مکرون که حضور وی در کاخ الیزه جنبه نمایشی و صندریفاتی پیدا کرده است؟ اولاف شولتس، صدراعظم آلمان با محبوبیت ۲۵ درصدی؟ یا فون در لاین، رئیس کمسیون اروپا که حتی تضمینی درباره بقای وی در این مسند وجود ندارد؟

اتحادیه زمانی مطلوب را جهت شالوده‌شکنی از دست داده است؛ یکی سال ۲۰۰۸ میلادی پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری بوش کوچک و دیگری سال ۲۰۲۰ میلادی پس از خروج ترامپ از کاخ ریاست‌جمهوری آمریکا. این ۲ فرصت طلایی به دلیل توهمات مقامات اروپا و تعلق آنها به ساختار قرن بیستمی اتحادیه اروپایی از دست رفت. در این معادله، فرصت سومی وجود ندارد! اساسا بازیگران غرب در وضعیتی قرار دارند که از موضع قدرت، بازتعریف و بازسازی منظومه‌ای تحت عنوان اتحادیه اروپایی را صورت دهند و شهروندان نارضی و خشمگین از ۲ جریان سنتی قدرت در غرب را در قبال این تغییرات اقتاع کنند. این تغییرات زمانی موجهی باشد که محصول هم‌افزایی، اقتاع و خودترمیمی باشد نه شکست و ناکامی در برابر ۲ جریان ضدساختاری چپ رادیکال و راست افراطی!

آنچه در انتخابات سراسری فرانسه و انتخابات پارلمان اروپا گذشت به وضوح نشان می‌دهد اروپا دیگر نه باید فکر اصلاحات باشد نه شالوده‌شکنی! سران قاره سبز در بهترین وضعیت ممکن باید منظر زمانی باشند که تجمات و هزینه‌های جدال ۲ جریان ملی‌گرای راست و چپ افراطی، شهروندان را ناچار به حمایت دوباره از آنها کند. شاید چنین زمانی هرگز فرا نرسد و قیل از آن، اضمحلال اتحادیه اروپایی و منطقه یورو تبدیل به یک واقعه رسمی در تاریخ روابط بین‌الملل شود.

رژیم صهیونیستی در دور جدید نسل‌کشی

جنون آمیز خود طی ۴ روز متوالی

۴ مدرسه را در نوار غزه بمباران کرد

و بیش از ۵۰ فلسطینی را به شهادت رساند

فراخوان خشم

صفحه ۷



تصویر: AP

حماس خواستار برگزاری راهپیمایی خشم

در سراسر دنیا شد

گفت‌وگوی «وطن امروز» با مجتبی نامخواه درباره تحلیل جامعه‌شناختی انتخابات ریاست‌جمهوری

جدال تغییر و ثبات

از تغییر باشد، باید منصفانه گفت در هر ۲ کمپین این نیروها وجود داشتند، مبنای هر ۲ کمپین هم بازتولید سیاست هراس از نیروهای ضدجامعه حاضر در کمپین است؛ دیگر هر دو، سیاست هراس یک مفهوم متناقض است؛ اصولا هراس هر جا تولید شود، سیاست می‌میرد و بود که دیگری حاکم نشود. در یک طرف مفاهیمی مثل طالبان و خشک مغز و دیوانه به طرف مقابل نسبت داده می‌شد و ایده‌های این کمپین دستمایه هراس بود. در طرف دیگر هم تجربه‌های قبلی و اینکه رقیب تکرار دولت روحانی است، دستمایه هراس بود. همین چند روز بعد از انتخابات فزونی فرهنگی و اجتماعی برای شکوفایی این نیروهای ضدجامعه. نه به عنوان یک جمله در یک نوشته بی‌ارزش، به عنوان یک رویکرد کلی، جامعه را «بالایع» و «کودک‌صفت» می‌خوانند، چون مثل آنها فکر نکرده است. استلاطلبی، تکبر و استکبار که فقط متکی به سرمایه اقتصادی و سیاسی نیست؛ متکی به سرمایه فرهنگی هم نوعی استکبار و استلاطلبی تولید می‌شود که به مراتب از استعلازی اشرافیت اقتصادی پیچیده‌تر است. این نیروی ضدجامعه نیست که اینطور دارد درباره جامعه حرف می‌زند؟ درست است که لایه اتناک بازگانی ضدجامعه است، کسانی که طی چند دهه یک نوع حکمرانی و توسعه خاص را پیش بردند، آبان ۹۸ را خلق کردند و مانند آن، همگی ضدجامعه‌اند و عملکرد آنها ضدجامعه بوده است اما کسانی که جامعه را نابالغ و کودک‌صفت می‌دانند هم نیروهای ضدجامعه‌اند.

برخلاف چیزی که محافظه‌کاران می‌گویند و بر اساس آن ساختارسازی می‌کنند، بر خلاف اینکه فکر می‌کنند خرد جمعی در لحظه انتخابات در موضع تقلید از مرجعیت سیاسی نیست؛ نباید هم باشد، در موضع آموختن و رشد هم نیست؛ خرد جمعی در لحظه انتخابات در چنین موضعی نیست؛ در موضع انتخاب است. ما گاهی انتخابات را غلط می‌فهمیم چون قائل به حق الهی حاکمیت انسان بر سرنوشت خود نیستیم. فکر می‌کنیم انتخابات جایی است برای رشد دادن مردم و من فعلا سیاسی رشد باید بیابم با گفتارهای درس‌آموز مردم صغیر را آگاه کنم. این نگاه به انتخابات غلط است. این نگاه به انسان غلط است. انسان‌ها حق دارند بر سرنوشت اجتماعی خودشان حاکم باشند. این نه فقط یک حق اساسی، بلکه یک حق الهی است. خدایی که حاکم مطلق جهان است به انسان‌ها چنین حق داده است. این یک حق غیرقابل سلب است و انتخابات مهم‌ترین مجرای اعمال این حق است.

در ایسن موضع خرد جمعی با وجود اینکه تغییر می‌خواهد، می‌فهمد که تغییر می‌تواند به‌اشوب منتهی شود و می‌تواند نظم بهتری به وجود نیآورد و وضع را بدتر کند، به همین دلیل بین نیروهای ضدجامعه ۲ سوی رقابت، انتخاب می‌کند با این معیار که کدامیک از ۲ سوی این رقابت حامل نیروهای ضدجامعه بیشتر

و خطرناک‌تری است؛ اغلب این را معیار قرار می‌دهد. همین معیار به‌درستی در خرد جمعی در فضای مجازی و سیاست فرهنگی و حجاب برجسته است. اسلام خمینی در مقابل تجحسر نمی‌گفت اینها هم عاملان دین هستند و فتوای خودشان را دارند، بلکه به صراحت می‌فرمود اینها «همه چیز را حرام می‌دانند»؛ یعنی رسما می‌گفت فتوای تحریم آنها را قبول ندارم. مگر می‌شود آن تفکر و رویه را بازسازی کرد و مبنای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی واکنش نشان ندهد؟ با تمام احترامی که برای قاتلان به این فتوا قائلم اما فقه و فکری شکل گرفت که در آن تماس تصویری هم حرام است! بعد با این سطح فکر و تفکر در جایگاه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی هم نشست‌اند. معلوم است که جامعه حساس خواهد شد و واکنش نشان می‌دهد.

جامعه ضدجامعه می‌فهمد و درباره حجاب هم همین قصه است. حالا نمی‌خواهم بحث را باز کنم اما تکنولوژی ارتباطی آنجا که برای ارتباط شهروندان با هم مطرح است با سخت‌گیری تمام توسط این نیروی ضدجامعه مواجه می‌شود و برای آن فتوا صادر می‌شود. آنجا که فضای نقد حکمرانان توسط شهروندان در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، ماجرا متفاوت می‌شود! اما جایی که ابزاری است که در اختیار حاکمان است، تسلط بر جامعه، آنجا تکنولوژی خیلی هم خوب است. یک دفعه دوربین‌های تشخیص چهره تبدیل می‌شود به ابزار حمایت از خانواده؛ یعنی می‌خواهند از طریق دوربین‌های تشخیص چهره، فرهنگ غفاف و حجاب را توپوش و از خانواده حمایت کنند. برای آن لایحه می‌نویسند و هشتاد و پنجمی می‌کنند و جریمه تعیین می‌کنند و جریمه‌ها را تیتیر روزنامه می‌کنند که همه جامعه تحت نظر دوربین است. این نیروی ضدجامعه است و دارد در برابر دیدگان مردم رشد می‌کند. چرا جامعه واکنش ندهد؟

حالا در میدان انتخابات یک طرف آقای پزشکیان است که نیروی ضدجامعه‌ای را که به طور طبیعی سمت او است نفی می‌کند. اینکه در عمل چقدر می‌تواند این نیرو را نفی کند، یک بحث دیگر است. صحنه رقابت کارکرد نیست و جامعه حزب را انگل می‌داند. اصلا قصد تخفیف نیروهای حزبی را ندارم. به هر حال ۲۰۰-۲۰۰۰ حزب رسمی داریم و ده‌ها حزب غیررسمی. حالا ممکن است اینجا ده‌ها حزب خوب و صدها کشنگر حزبی خوب هم در جامعه وجود داشته باشد اما به هر حال جمع‌بندی جامعه از ساختار حزب در جامعه، منفی است. درک خرد جمعی از حزب هم خیلی انضمامی و تاریخی و اجتماعی است.

ادامه در صفحه ۵